

خود به مقاله بسوسیعی نیازمندست) و کاربرد واژه‌های مانده همانند تاتار - تازی - تای (تایلند) در همسایگی اقوام آریایی نشانه روابط نزدیک فرهنگی میان این اقوام می‌باشد. ترکان بگمان من از اعقاب تورانیان که شاخه‌ای از ایرانیان کهن بوده‌اند پدید آمده و ترکان چین ثمره آمیزش اقوام تورانی با چینیان زردپوست هستند. در حال فرهنگ غالب اقوام ترک ملامال از واژه‌های ایرانی است (ترکات سیزبولماز) لذا واژه‌های تات - تاجیک و حتی تاتار تبار ایرانی دارند

منابع و ماخذ

- ۱- خرده اوستا ، جزوی از نامه مینوی اوستا ، تفسیر و تالیف پورداد
- ۲- فقه‌اللغه ایرانی ، ارانسکی ، ترجمه کریم کشاورز
- ۳- دوره تاریخ ایران باستان تالیف پیرنیا
- ۴- زبان آموز هلندی - دانمارکی و سوئدی از انتشارات Teach yourself لندن و نیز خود آموزهای سفری Berliz
- ۵- فقه‌اللغه سومری از دکتر فوزی رشید (نیز الواح سومری کرامر ترجمه رسایی)
- ۶- کتابهای متعدد دیگر از جمله دیوان لغت الترك کاشغری ، ترکی پیش از قرن سیزدهم ، و اطلس ملت‌های جهان ، تاریخ افغانستان پس از اسلام عبدالرحی حبیبی ، مهاجرت نژاد آریا فریدون جنیدی .

دکتر سید محمد علی سجادیه

چند نکته در باره المعجم شمس قیس

- ۱- شمس قیس در صفحه ۵۰ المعجم^۱، از احیف «مفاعیلن» را چهارده ذکر کرده و زحاف «اسباغ» یا «تسبیح» را از قلم انداخته است، ولی خود در صفحه ۱۰۲ شماره از احیف این بحر را پانزده گفته و اسباغ را هم بر آن افزوده. این اختلاف در ذکر منشعبات بحور در مواضع دیگر هم دیده می‌شود.

□ □

- ۲- در صفحه ۸۲ ، ذیل «بیت منقوص»:

دلیم با غم سوداش بسازد

اگر یار مرا باز نوازد

۱- این مقاله بر مبنای «المعجم» تصحیح «مرحوم علامه محمد قزوینی» و تصحیح مجسد «مرحوم مدرس رضوی» رضوان... علیهما از انتشارات زوار ، تهران ۱۳۶۰ ، تنظیم گردیده است :

وزن آن چنین آمده است: مفاعیل مفاعیل فعولن مفاعیلن مفاعیل فعولن. ولی یقین آنست که تقطیع مصراع دوم ، بعینه مانند مصراع اول است یعنی « مفاعیل مفاعیل فعولن » و « مفاعیلن » در « ابتداء » اشتباه است و بنظر میرسد غلط چاپی باشد ولی چون گمراه کننده است تذکر آن لازم دیده شد.



۳- در صفحه ۱۰۱ ، شمس قیس در مبحث انواع تلفظ «تاء» در شعر ، این مثال را آورده است :

«را تا غم عشق دلبر بجاست» و سپس استدلال‌های او بوضوح نشان میدهد که «سین» را در کلمه «بجاست» متحرک خوانده و وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن» را اراده کرده است، ولی از آنجا که این تقطیع ، مقتضی سلب جزالت از سخن منظوم فوق است و چون مرحوم مدرس رضوی را بر کلام فصیح و جزیل ، وقوف کامل بوده است، پنداشته اند کتاب در تحریر درست و وزن دچار سهو گردیده اند و در نتیجه ، استاد در سطر چهارم و پنجم ، بجای «فعولن» ، «فعول» قرار داده اند.



۴- صاحب المعجم در صفحه ۱۲۴ ، وزن بیتی را بدینگونه ضبط کرده :

«آن سروسهی که بارخورشید روان دارد همواره ستاره ازدوچشم من روان دارد مفعول مفاعیلن مفاعیل مفاعیلن مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»

تقطیع این بیت بگونه شمس قیس ، خارج شدن آهنگ بیت را در پی دارد. در مصراع اول ، «دال» کلمه «خورشید» را باید به اشباع تلفظ کرد بطوریکه در برابر «فاعیلن» از «مفاعیلن» ، قرار گیرد ،

یعنی :

آن سرو / سهی که با / رخورشید(ی) / روان دارد
مفعول / مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن

بدین ترتیب ، تقطیع مصرع اول با مصرع دوم ، تطبیق کامل پیدا میکند و همه انحراف صاحب المعجم برای آن بوده است که خواسته مثالی مطابق عنوان «مثنی اخرب مقبوض مکفوف سالم عروض و ضرب» بیاورد و «دال» «خورشید» را در برابر لام «مفاعیلن» (مکفوف) قرار دهد.

۱ - شمس قیس در این موارد ، حـسـرف هـمـد را مـشـد می‌سازد ، ولی امروز افزودن يك مصوت بلند رواج بیشتری دارد.

۵- در صفحه ۱۲۸ ، بیتی بدینگونه نقل و تقطیع شده است:

«بس چو تویی من وز دوجهان بیزارم بکار من کن نظری وگر نه دل بردارم
مفاعِلن مفاعِلن مفتحَلن مفعولن مفاعِلن مفتحَلن مفاعِلن مفعولن»
آنچه مسلم است ، از مصراع اول ، کلمه ای ساقط شده و من گمان میکنم این کلمه
«برای» باشد . بدین ترتیب : «بس چوتویی برای من ، وز دوجهان بیزارم»



۶- شمس قیس در صفحه ۱۳۷ بیتی آورده و آن را ثقیل و ناخوش خوانده است ،
بسیب خطایی که در تناظف کلمه «شغل» و در نتیجه ، در تقطیع بیت مرتکب شده ؛ وی با همه
فضل و دانش برای جستن تلفظ صحیح کلمه «شغل» قصور کرده و به لغت مراجعه نکرده تا
بدانکه واژه «شغل» را بالفتح وفتحین و بالضم و ضمّین ، ضبط کرده اند و گفته :

«پسرا گر تو بخواهی شغل ما می بسازیش همیدون بزهانی
فعلاتن فعلاتن فاعلن فاعلاتن فعلاتن فعلاتن»

در صورتی که اگر کلمه «شغل» را مثلاً بفتحین تلفظ میکرد این نقیصه مرتفع می شد ،

یعنی :

پسرا گر / تو بخواهی / شغل ما
فعلاتن / فعلاتن / فاعلن



۷- در صفحه ۱۴۲ ، این بیت :

دلبر من کجا رفت وز بر من چرا رفت

بروزن دوبار «مفتحَلن فعولان» آمده است . ناگفته نماند که همین بیت را بروزن
دوبار «فاعلاتن فعولان» مساوی «فاعِلن فاعِلن فاع» یا «فاعِلن فاعِلیمان» نیز می توان
تقطیع کرد.



۸- مؤلف المعجم در صفحه ۱۴۳ ، برای «مثنی مختلف اجزا» از بحر «مسنرح» ، بیت

ذیل را شاهد مثال آورده و بدینگونه تقطیع کرده :

«آن روشنایی که بود گشته نهان در زمین آنک بمشرق رسید وز طرف او بردمید
مستفعلن فاعلان مفتحَلن فاعلان مستفعلن فاعلان مستفعلن فاعلان»
اصولاً عروض المعجم ، برداشتی از عروض عرب است و شمس قیس به تساوی طرفین
بیت ، توجهی نداشته وگر نه «گشته نهان» را با اندک اشباع در تلفظ ، می توانست بر

«مستفعلن» تقطیع کند ، مگر اینکه نسخه «ذ» را صحیح بدانیم که مصرع دوم را بدینگونه ضبط کرده :

«أَنك بمشرق رسید وز طرف اودمید
مستفعلن فاعلان مفتعلن فاعلان»



۹- شمس قیس در صفحه ۱۴۴ ، وزن بیتی را که شاهد «مطوی معجون احد» از بحر «منسرح» آورده ، بدینگونه ضبط کرده است:

«روی مگردان ز من حبیبی که درد جان مرا طیبی
مفتعلن فاعلات وفع لن مفاعلن فاعلات فع لن»

بهرتر بود وزن این بیت را «دوری» یا بقول خواجه نصیر «چهارخانه» می دانست و آن را بر چهاربار «مفاعلن فع» تقطیع می کرد که در «صدر» بیت ، «مفاعلن» بنا به قاعده معمول در قدیم ، به مفتعلن» بدل گردیده .



۱۰- بیتی در صفحه ۱۵۴ المعجم ، بدینگونه آمده است:

بسنبیل چون مرسمن را بیوشانیدی نکویی
بیفزودی ای مشعوذ ز که آمختی نکویی

مرحوم علامه قزوینی در پاورقی نوشته اند: «علاوه براضطراب معنی قافیة این بیت صحیح نیست .»

جای تعجب است که نوشتن کاف فارسی بایک «سرکش» که مربوط به رسم الخط قدیم می شود ، استادی مانند علامه قزوینی را به اشتباه انداخته است. قافیة مصرع دوم «نکویی» می باشد و بدین ترتیب خطای قافیة واضطراب معنی ، هیچکدام موردی ندارد. ۱.



۱۱- در صفحه ۱۶۲ ، بیت مرفوع از بحر «مجتث» این شاهد را آورده است:

«ای پسر می بیار و باز بریط مرغ مسمن بیار و باز بریط
فاعلن فاعلاتن فاعلاتن مفتعلن فاعلاتن فاعلاتن»

شمس قیس همین بیت را در صفحه ۱۷۲ مثال بیت «مسدس محذوف» از بحر «مشاکل»

۱- بخاطر دارم که آقای دکتر شمیسا نیز این نکته را در جایی تذکر داده اند و شاید برخی موارد دیگر را هم اهل عروض متذکر شده باشند که بنده هنوز برخورد نکرده ام.

ذکر کرده و بجای «مرغ مسخن» ، «مرغ فربه» نوشته و ظاهراً همین درست است زیرا دو مصراع ، مطابقت عروضی پیدا می کنند چنانکه نسخه «ذ» هم «مرغ فربه» ضبط کرده و بر «فاعلن فاعلاتن فاعلاتن» تقطیع کرده است.

□ □

۱۲- شمس قیس در صفحه ۱۶۷ ، دوبیت از شعر معروف رودکی را بدینگونه نقل و تقطیع کرده :

می آرد شرف مردمی پدید	آزاده نژاد از درم خرید
مفاعیل مفاعیل فاع لان	مفعول مفاعیل فاع لان
هر آنکه که خوری می خوش آنکه است	خاصه چو گل و یاسمین دمید
مفاعیل مفاعیل فاع لان	مفعول مفاعیل فاعلان

گویا در بعضی منابع^۱ ، مصرعهای دوم این ابیات با «واو عطف» آغاز شده یعنی :

«و آزاده نژاد از درم خرید» و «و خاصه چو گل و یاسمین دمید»
و بدین ترتیب تقطیع رکن «ابتداء» هر دو مصراع بر «مفاعیل» صحیح است نه «مفعول» و آوردن «واو عطف» در آغاز مصراع از مختصات شعر قرون اولیه نضج سخن پارسی است و رودکی خود در اشعار دیگر نیز همین کار را کرده مثلاً در این بیت :

کهن کند بزمانی همان کجا نو بود / نو کند بزمانی همان که خلقان بود

□ □

۱۳- در ابتدای صفحه ۱۶۸ ، مطلع شعر خسروی را بدینگونه نقل کرده :
«چنان دانی کم خواستار نیست / یا شهر مرا جز تو یار نیست»
به استناد برخی منابع^۲ ، واو عطف از ابتدای مصراع دوم ساقط شده است. «ویا شهر مرا جز تو یار نیست»

□ □

۱۴- در همان صفحه ۱۶۸ ، در تقطیع بیتی از شعر خسروی ، لغزش روی داده که از شمس قیس انتظار نمی رود.

«همی گویم برتر شو از دلم	ترا با دل من هیچ کار نیست
مفاعیلن مفعولن فاعلن	مفاعیل مفاعیل فاعلان

۱- نمونه اشعار رودکی ص ۱۹ و ۲۰ / لیما صالح دامسری / انتشارات امیرکبیر /

تهران ۱۳۶۰

۲- پاسداران سخن، چکامه سرایان ص ۵۱ / دکتر مظاهر مصفا / انتشارات زوآرمشهد

تقطیع بیت فوق بی تردید خطاست، گویا به این نکته توجه نداشته که اجزای هر مصراع را باید در کنار هم و در رابطه باهم تقطیع کرد، نه بطور مجزا. ناگفته نماند که مرعی نداشتن این اصل، در مواضع دیگر هم سبب گمراهی شده است. اکنون تقطیع صحیح بیت مذکور:

همی گوی / م برترش / وز دلَم
ترا باد / ل من هیچ / کار نیست
مفاعیل / مفاعیل / فاعلن
مفاعیل / مفاعیل / فاعلن

□ □

۱۵- در صفحه ۱۷۱ المعجم، تحت عنوان «بیت محجوف» از بحر «خفیف»، این بیت را نوشته:

«غمزه چون تیر زلف چون قیر
فَاعِلَاتِن مَفَاعِلِن فَاع
چشم پر خواب زلف پرتاب
فَاعِلَاتِن مَفَاعِلِن فَاع
نسخه «ذ» بصورت «چشم پر خواب و زلف پرتاب» ضبط کرده و اگر آن را بدون «و» بخوانیم، وزن آن را می توان «دوری» یا «چهارخانه» دانست، یعنی دوبار «فاعلن فاع، فاعلن فاع» یا چهاربار «فاعلیان».

□ □

۱۶- در همان صفحه ۱۷۱، وزن بیته بدینگونه آمده است:

«روی چون آینه ز خورشید
فَاعِلَاتِن مَفَاعِلِن فَاع
داشته پیش نقش آزر
فَاعِلَاتِن مَفَاعِلِن فَاع
در این بیت، «صدرین» را بجای «فاعلن» بر «مفتعلن» نیز می توان تقطیع کرد.

□ □

۱۷- در صفحه ۱۷۲، وزن بیته را بدینگونه نوشته است:

«ای پسر می بیار و باز بریط
فَاع لَاتِن مَفَاعِلِن فَعُولِن
مرغ فربه بیار و باز بریط
فَاع لَاتِن مَفَاعِلِن فَعُولِن
«حشو» مصرعهای فوق را بجای مفاعیلن» بر «مفاعلن» نیز می توان تقطیع کرد.

□ □

۱۸- در صفحه ۱۷۹ ذیل عنوان «مثنی ائرم» از بحر «مقارب»، این بیت را آورده:

«مهر تو ای ماه نیکو سیر
فَعْل فَعُولِن فَعُولِن فَعْل
کرد سرا از جهان بی خبر
فَعْل فَعُولِن فَعُولِن فَعْل
بنظر میرسد که این، تقطیع حقیقی نباشد و تقطیع آن بر «مفتعلن فاعلن فاعلن» یا «مفتعلن فاعلاتن فعل» مناسب تر است.*

محسن ذاکر الحسینی «پروند» (نیشابور)

تذکره آقای شیدا گیلانی غزلسرای نامور که این حواشی را خوانده اند در کنارش یادداشت کرده اند دقت نظر تان شایان تقدیر و تحسین است. (آینده)